**امتحان در قالب ترس**

بی‌تردید یکی از امتحانات ما ترس است و این امتحان شایع‌ترین امتحان‌ها است و در صدر یکی از مشهورترین آیات قرآن ذکر امتحانات ترس است.

وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوفْ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الأَمَوَالِ وَالأنفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِینَ (155، بقره)

»و مسلماً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کاهش محصولات می‌آزماییم، و صابران را نوید ده«

برخی از استعدادهای ما در متن ترس‌های ما باید رشد کند. وقتی ما با ترس امتحان می‌شویم یعنی کشف استعدادهای پنهان ما تکامل روحی و معنوی ما در بستر ترس باید صورت گیرد.

**اولویت با ترس است**

* + وقتی اولین مورد از موارد امتحان ما ترس است و خداوند متعال صریحاً آن را بیان می‌کند؛ باید بدانیم که ترس به صورت تصادفی نیست. از یک ترس که رد می‌شویم به ترسی بعدی می‌افتیم. اگر به عنوان یک امتحان بدانیم همین دانایی، ترس ما را کم خواهد کرد؛ چون عوامل ترس را می‌شناسیم و می‌فهمیم که برخی عوامل فقط ترس هستند و بلا پشت سر آن‌ها نیست.
	+ وقتی یکی از شایع‌ترین امتحانات ما ترس باشد عوامل ترس ممکن است مختلف باشند ممکن است دشمن، ابلیس یا حتی خود ما یا رفقا و یا احمق‌های جامعه یا مشاوران نادان ما باشند. اگر نعوذبالله جامعه‌ای مبتلا به سیاست ورزان ترسو باشد، آن‌ها ما را می‌ترسانند. اگر خدا ما را بترساند و ما را از خود می‌ترساند. از خطرات جدی ما را می‌ترساند. ابلیس از خاصیت ترس انسان حسن سوءاستفاده !!! را به عمل می‌آورد و انسان را به زمین می‌زند. ترس غیر از خدا و خطر غیر واقعی استعدادهای انسان را می‌سوزاند و مرگ برای انسان خواهد آورد و آن‌ها را به مرده‌های متحرک تبدیل می‌کند. به قول معروف ترس برادر مرگ است.

**ترس شناسی**

باید خصیصهٔ ترسو بودن خود را بشناسیم عادت کرده‌ایم که از چه چیزهای بترسیم اطرافیان ما از چه چیزی می‌ترسند چون اگر اطرافیان ما ترسو باشند ما بیشتر می‌ترسیم. به قول روان‌شناسان اولین عکس‌العملی که در مواجهه با واقعه‌ای انجام می‌دهند این است که به هم نگاه می‌کنند و از ترس یکدیگر می‌ترسند. ترس به مشورت می‌گذارند. تعداد کمی از مردم هستند که اگر خطری آن‌ها را تحدید می‌کنند بدون نگاه به دیگران به سراغ واقعه می‌روند که بدانند چه خبر است.

ما این خصلت ترسیدن را داریم و نمی‌شود با این خصلت شوخی کرد و خیلی زشت است که با این ترس زندگی کنیم. در روایت داریم که آن قدر خدا بندهٔ شجاع خود را دوست دارد حتی اگر مار زهرداری را بکشد او را دوست دارد. اما به این معنا نیست که هر ماری را دیدید بکشید و بگویید که خدا از ما خوشت آمد یا نه!!!

**فواید ترس**

به بخشی از معرفت نفسمان دست می بابیم. باید از امتحان ترس روسفید بیرون آییم تا رشد پیدا کنیم وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْءٍ مِّنَ الْخَوفْ .

با ترس آدم شویم و مقرب شویم و نورانی شویم. بله به همین سادگی است ولی ما به آن بی‌توجه هستیم.

هم در پدیده‌های عالم عامل ترس وجود دارد و هم در درون ما. هر کسی باید پرونده‌ای به را ترس باز کند. و بداند که چه باید بکند با این ترسی که استعدادها مادی و معنوی او را نابود نکند.

**ترس قبیح**

بچه نباید از نمره کم آوردن و تحقیر شدن توسط دیگران و رفو زه شدن بترسد . با استرس او را وادار به درس خواندن نکنید چرا که یک سری محفوظات کسب می‌کند که فقط در شب امتحان به یاد او است. چرا اکثر دانشجویان دانشمند نمی‌شوند. با اینکه دانشمند شدن کار سختی نیست. برخی بچه‌ها که از دست مدرسه‌ها در می‌روند دانشمند می‌شوند.

هر چه سن بالا می‌رود عامل ترس هم عوض می‌شود. اول عامل ترس ما درس است و بعد سربازی و بعد شغل. پدر و مادر از کار کردن منع نمی‌کنند بلکه از مذمّت مردم می‌ترسند. ترس از عقب ماندن از دیگران و ترس از مذمت دیگران ترس از همه چیز به قدری این ترس فراگیر است. اکثر مردم زندگی آن‌ها مبتنی بر ترس است و توجهی هم ندارند. نیازی نیست که از ترس فقر کار بکنید و از بی اعتباری درس بخوانید.

ما چه قدر عالم و باسواد داریم که دو زار عقل ندارند. وگرنه کل عالم را نجات می‌داند. یک کمی از این علم برای عقل کفایت می‌کند. چرا یک سری علم دارند ولی شعور ندارند. آن‌ها ملت خود را به بردگی می‌کشانند. چون سبک زندگی به این گونه است که همه بر اساس ترس زندگی می‌کند. بلیهٔ عامل البلوایی می‌شود در صورتی که عاملی برای رشد ما بود.

حتی پروردگار عالم ما را در کنار امتحاناتش نمی‌ترساند. هدف امتحان را "الَّذِی خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَیاةَ لِیبْلُوَکُمْ أَیکُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا" ( 2، ملک) می‌فرماید. ترس داخل آن نیست. از جهنم حرفی نزد. با اینکه ترس از جهنم با غالب ترس‌های ما فرق دارد.

اگر مدال نگرفتید نیازی به رنگ پریدن نیست مسابقه است و جایزه می‌دهند می‌توان قصه خورد ولی ترس چرا ؟!!!

به بچه‌هایمان بگوییم که در کنکور هم قبول نشدی یک ذره نزد من کم ارزش نمی‌شوی. مبنای زندگی را نمی‌فهمیم و نمی‌فهمانیم. اگر او را از استرس رها کنیم او دانشمند خواهد شد. بنا نیست که در ترس بمیریم بلکه بناست که در ترس زنده شویم.

انسان از عجله آفریده شده است پدر مادر هم از انسان‌ها هستند و وقتی انسان عجول می‌خواهد از ابزارها استفاده کند از اولین ابزار استفاده می‌کند و آن هم ترس است برای رساندن به ضرورت بحث.

از هیچ‌کسی و چیزی غیر از خدا نترسیم. از مقام الهی بترسیم نه از عذاب الهی اما خوب می‌شود از عذاب هم ترسید ولی کم ارزش تر است.

برخی خوش گل می‌ترسند و برخی هم بدگل می‌ترسند و بی‌جا از خدا می‌ترسند. حضرت می‌فرماید گناه نکن تا نترسی.

ترس از خدا متفاوت از این ترس‌هایی است که ما اکنون با آن‌ها زندگی می‌کنیم.

دل تو این آلوده را پنداشتی / لاجرم دل ز اهل دل برداشتی (مولوی 1366 / دفترسوم / ب 2263 ـ 2261(

**نحوهٔ برخورد با ترس**

با ترس خوب برخورد کنید که آن امتحان شماست. ما باید ریشه‌های ترس‌های نابجا را در خود از بین ببریم. برای اینکه وقتی خدا یا غیر خدا ما را از چیزی نابجا می‌ترساند ما سعی کنیم نترسیم.

پاسخ صحیح به امتحان ترس چیست؟ نترسیدن

پاسخ به امتحان بیماری ؟ صبر

پاسخ به امتحان فقر ؟صبر و حفظ عزت

پاسخ به امتحان نعمت؟ شکر

به امتحان خوف؟ نترسیدن

می‌ترساند که نترسی.

**تمرین غیر بازرگانی**

قدیم خانواده‌ها پرجمعیت بودند اما الآن خانواده‌ها بیابان برهوت هستند و روان‌پریش و نامتعادل هستند. برخی خانه‌ها هستند که همیشه حالت اردویی دارد. در خانه ما همیشه اردوگاه بود ما بیش از 14 بچه نبودیم!!! چند نفر آخر که آمدند چند نفر اول رفته بودند!!! یک کمی بترسید که چه قدر کم جمعیت هستید.

پدر و مادرها اگر کم فرزند داشته باشند ظلم می‌کنند.

یکی از دلایل فرزند دار نشدن چیست؟ برخی می‌گویند فقر است اما برخی از خانواده‌ها که پول‌دار هستند چرا خیلی فرزند ندارند بله فقر نیست ترس‌های دیگر است. فقط ترس از فقر نیست چرا که پایین شهر بچه‌های خانواده بیشتر است.

بله می‌خواستم بازی زمان کودکیم را به یادآورم که بحثمان به این سمت رفت.

بازی‌ها عرفانی زمانی کودکی: از من می‌ترسی یا از خدا؟ از خدا . بعد یک پخ می‌کرد ما می‌ترسیدیم بعد می‌گفتند که دیدی ترسیدید ( مزاح عرض می‌کنم)

می‌ترساند که نترسی. پخ می‌کردند تا نترسی اگر نمی‌ترسیدی بارک الله می‌گفتند.

اگر از یک چیزی که تو را ترساند ترسیدی بدان که در امتحان شکست خورده‌ایم.

**دوتا از ریشه‌های کلیدی ترس**:

پیامبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم می‌خوانیم که به امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: **اعلم یا علیّ اءنّ الجبن و البخل و الحرص غریزة واحدة یجمعها سوء الظّنّ**!؛ بدان ای علی ! که ترس و بخل و حرص ، یک غریزه هستند و همه در سوءظن (به خدا) خلاصه می‌شوند» (میزان الحکمه ، جلد 1، صفحه 588، شماره 3139(

اگر انسان باشیم این روایت تکان شدیدی به ما می‌دهد. سوء ظن به خدا در درجهٔ اول باعث ایجاد ترس می‌شود.

به خدا سوء ظن نداشته باشیم

به خدا سوء ظن نداشته باشیم

به خدا سوء ظن نداشته باشیم

خدایا سوء ظن من را برطرف کن و حسن ظن به من عطا کن (ذکر بین صفا و مروه)

مردم . . . روز قیامت هیچ عملی از انسان قبول نیست وقت نمازخواندن و کمک به دیگران نیست. وقت استغفار نیست. در واقع وقت هیچ کاری نیست.

فقط یک عمل است که اثر دارد؛ هنگامی که گناه‌کار را در حال بردن به جهنم هستند. بنده پشت سر نگاه می‌کند و می‌گوید پروردگار من فکر می‌کردم که من را در آخر می‌بخشی خداوند هم می‌فرماید من با حسن ظن بندهٔ خودم رفتار خواهم کرد.

بچه‌ها در متن ترس زیر باران گلوله می‌رفتند و رشد می‌کردند. بچه‌ها مرگ را به بازی می‌گرفتند. لحظه به لحظه می‌گفتند که خدا تو هستی اگر در بیابان هم باشم عقرب من را خواهد زد و اگر در خیابان هم باشد به زیر تریلی خواهم رفت.

می‌دانید که شهید در قبر سؤال جواب نمی‌شود چوب در زیر باران گلوله و چکاوک شمشیرها به سؤال‌ها پاسخ داده است. سؤال به گونه‌ای است که هر کسی اسم خود را بلد باشد یادش می‌رود. ایمانتان را محکم کنید و نترسید.

از صمیم دل تکرار کنید:

استغفر الله ربی و اتوب الیه

استغفر الله ربی و اتوب الیه

استغفر الله ربی و اتوب الیه

خداوند از سوء ظنی که به تو داشته‌ایم و از غیر تو ترسیده‌ایم ما را ببخش

الهی آمین.

برخی به محض اینکه یک مقداری ترس در دلشان می‌آید رویشان سیاه می‌شود آن را متوجه می‌شوند. ریشه این ترس سوء ظن به خداست.

خوفت را از خدا بالا ببر تا از دیگران نترسی. در واقع الکی بودن عامل ترساننده را به ما نشان می‌دهد. و نقطه ظعفش را به ما نشان می‌دهند.

ان من العبادة شدة الخوف من الله (محمد یاقر مجلسی، بحارالانوار، مکتبه الاسلامیه ، ج 70، ص 359) از جملهٔ عبادات شدت خوف از خداست.

کسی که از مقام خداوند بترسد دو بهشت به او می‌دهند ولی ما یک بهشت هم نمی‌توانیم کسب کنیم.

کسی که خدا وند از او متنفر است او منفور خواهد شد. باید حضور مولای خود را احساس کنیم.

خداوند قدرت ندارد؟؟؟ اگر آن را باور کنیم وقتی کسی می‌گوید «لا حول و لا قوت الا بالله» ملائکهٔ من پاداش او را بدهید از چیزی که می‌ترسد ترس او را رفع کنید. ( بعد از نمازها 7 مرتبه آن ذکر بگویید) تا قوت قلب پیدا کنید.

بی اعتمادی به قدرت پروردگار

امام حسین غالبا این سخن را می‌فرمود:

شرخصال الملوک الجبن من الاعداء و القوه علی الضعفاء و البخل عند الاعطاء.

بدترین صفت سیاست مداران ترس از دشمن است.

رقم الحدیث: 3202

)حدیث مقطوع) حَدَّثَنَا أَحْمَدُ ، نا الْحَرْبِیُّ ، نا دَاوُدُ بْنُ رُشَیْدٍ ، قَالَ : " کَانَ یُقَالُ : شَرُّ خِصَالِ الْمُلُوکِ الْجُبْنُ عَنِ الأَعْدَاءِ ، وَالْقَسْوَةُ عَلَی الضُّعَفَاءِ ، وَالْبُخْلُ عِنْدَ الإِعْطَاءِ "  (مناقب 4/65) بدترین خصلت حاکمان سه چیز است: ترس از دشمنان،ظلم بر ضعفاء و بخل در بخشیدن.

خدایا اجازه نده ترسوهای عالم درس بخوانند. چون دانش خود را به خدامت تئوریزه کردن ترس می‌کنند. خدایا کسانی که دانش ترس را در تئوریزه کردن ترس به کار می‌گیرند زبانشان را قطع کن.

بگذریم . . .

کسانی که می‌ترسند و نظری می‌دهد ترسیدن خود را انکار می‌کنند.

ترس کاری می‌کند که مسلم بن عقیل را در کوفه تنها گذاشتند کسانی که اباعبدالله را دوست داشتند به جنگ به حضرت فرستاند. ترس قبل از هر چیزی یک حالت روانی است.